

خانم آن نیست که جانانه و دلبر باشد
 خانم آن است که باب دل شوهر باشد
 بهترست از زن مه طلعت همسر آزار
 زن زشتی که چگر گوشه همسر باشد
 زن یکی بیش مبر ز آنکه بود فتنه و شر
 فتنه آن به که در اطراف تو کمتر باشد
 زن شیرین به مذاق دل ارباب کمال
 گرچه قند است نباید که مکرر باشد
 کی توان داد میان دو زن انصاف درست؟
 کاینچنین مرتبه مخصوص پیمبر باشد
 حاجتی را که تو داری به مونث، زان بیش
 حاجت جنس مونث به مذکر باشد
 با چنین علم به احوال زن ای مرد غیور
 چون پسندی که زنت عاجز و مضطر باشد؟
 زن بود شعر خدا، مرد بود نثر خدا
 مرد نثری سره و زن غزلی تر باشد
 نثر هر چند به تنهائی خود هست نکو
 لیک با نظم چو پیوست نکوتر باشد
 زن یکی، مرد یکی، خالق و معبود یکی
 هر یک از این سه دو شد، مهره به ششدر باشد
 زن خائن تبه و مرد دو زن بیخردست
 وانکه دارد دو خدا مشرک و کافر باشد
 کی پسندی که نشانی به حرم قومی را
 که یکایک ز توشان قلب مکدر باشد؟
 وز پی پاس زنان، گرد حرمخانه تو
 چند خادم به شب و روز مقرر باشد؟
 نسل این فرقه محبوس حسود غماز
 به سوی مام کشد خاصه که دختر باشد
 می شوند آلت حرص و حسد و کینه و کذب
 نسلها، چون به یکی خانه دو مادر باشد
 ریشه تربیت و اصل فضیلت مهرست
 مهر کی با حسد و کینه برابر باشد؟
 گر شنیدی که برادر به برادر خصمست
 یا که خواهر به جهان دشمن خواهر باشد
 علت واقعی آنست که گفتم، ورنه
 کی برادر به جهان خصم برادر باشد؟